



تعاون در قرآن و حدیث

تعاون، واژه‌ای دینی بر پایه **قرآن** و **حدیث** با مضمون اخلاقی است، در این مقاله درباره تعاون در قرآن و حدیث و بعضی از مصادیق تعاون سخن گفته می‌شود.

فهرست مندرجات

- ۱ - تعاون در لغت
- ۲ - تعریف فلسفی تعاون
- ۳ - تعاون در قرآن
- ۴ - تعاون در احادیث
- ۴.۱ - مصادیق تعاون در احادیث
- ۵ - نظر شهید ثانی در مورد تعاون
- ۶ - نظر برخی فقها در مورد تعاون
- ۷ - فهرست منابع
- ۸ - پانویس
- ۹ - منبع

تعاون در لغت

تعاون در لغت به معنای یکدیگر را یاری کردن و همیاری نمودن است.

- [۱] این منظور، لسان العرب، ذیل «عون».
 - [۲] احمدین محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ذیل «عون».
 - [۳] محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، ذیل «عون».
 - [۴] دهخدا، ذیل واژه عون.
- مفهوم این واژه در متون اسلامی و منابع اخلاقی با معنای لغوی آن تفاوت چندانی ندارد.
- [۵] حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل «عون».
 - [۶] فخر الدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، ذیل «عون».
 - [۷] ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، ذیل «عون».

تعریف فلسفی تعاون

در آثار فلسفی، بر این نکته تأکید شده است که، انسان‌ها برای تأمین **سعادت** خود در **زندگی** و وصول به **کمال** نیازهایی دارند که به تنهایی نمی‌توانند آن‌ها را بر آورده سازند، ازینرو باید جامعه تشکیل دهند و به یکدیگر یاری کنند؛ بنابراین، اساس اجتماع مدنی **تعاون** و همکاری و مباحله منافع است. حتی گفته‌اند که تشکیل دادن جامعه و تعاون برای انسان‌ها جنبه فطری دارد.

- [۸] محمد بن محمد فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸.
 - [۹] احمدین محمد مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ج ۱، ص ۳۷.
 - [۱۰] طباطبائی، المیزان، ذیل بقره: ۲۱۳-۲۵۱.
 - [۱۱] انبیاء/سوره ۲۱، آیات ۱۸-۱۹.
- تفاوت‌های افراد جامعه از نظر توانایی‌های جسمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جز اینها نیز اقتضا دارد که در ابعاد گوناگون زندگی یاور یکدیگر باشند.
- [۱۲] عبد غالب احمد عیسی، آداب المعامله فی الاسلام، ج ۱، ص ۲۷.

تعاون در قرآن

در قرآن کریم، فقط در آیه دوم سوره مائده،

[۱۳] مائده/سوره ۵، آیه ۲.

فعل امر «تعاونوا» و صورت نهی آن به کار رفته است. در این آیه به مؤمنان امر شده که در کارهای نیک و تقوا پاور یکدیگر باشند و از تعاون در گناه و تعدی بپرهیزند. برخی مفسران، با ارائه مفهومی وسیع برای تعبیر «بن» و «تقوی» و «اتم» و «عنوان»، مراد از این آیه را همکاری برای هموار ساختن راه خیر و نیکی، و بستن راه شرارت و دشمنی دانسته‌اند.

[۱۴] زمخشری، تفسیر کشاف، ذیل آیه دوم سوره مائده.

[۱۵] طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ذیل آیه دوم سوره مائده.

[۱۶] محمودین عبدالله آلوسی، روح المعانی، ذیل آیه دوم سوره مائده.

[۱۷] طباطبائی، المیزان، ذیل آیه دوم سوره مائده.

[۱۸] ابن اخوه، معالم القرابه فی احکام الحسبه، ج ۱، ص ۶۲.

در برخی منابع، مراد از تعاون در عنوان، همکاری در تعدی به حقوق مردم و سلب امنیت از جان و مال و حیثیت آنان ذکر شده است.

[۱۹] ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، ذیل «عون».

[۲۰] طباطبائی، المیزان، ذیل آیه دوم سوره مائده.

به تعبیر برخی مؤلفان، این آیه نوعی مسئولیت مشترک اجتماعی و تضامن جمعی را بر عهده تمامی مؤمنان نهاده است؛ ازینرو، مثلاً عالمان و توانگران و قدرتمندان در برابر جاهلان و فقیران و ضعیفان مسئولیت دارند.

[۲۱] محمدین احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ذیل آیه دوم سوره مائده.

[۲۲] مجتواد مغنیه، التفسیر المبین، ذیل آیه دوم سوره مائده.

[۲۳] محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاه، ج ۶، ص ۹۳. مفهوم تعاون، چه در راه حق چه در راه باطل، در برخی آیات دیگر نیز آمده است.

[۲۴] طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ذیل نور: ۶۲.

[۲۵] طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ذیل تحریم: ۴.

[۲۶] طباطبائی، المیزان، ذیل تحریم: ۴.

تعاون در احادیث

بنا بر بعضی احادیث، تعاون مؤمنان در طاعت الهی از پایه های برادری دینی است

[۲۷] عبدالواحدین محمد آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۲۲.

[۲۸] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶-۲۳۷.

و پیشوایان دین بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند.

[۲۹] کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۵۴.

[۳۰] مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۸۴.

[۳۱] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۸.

به تعبیر احادیث، تعاون در بر پا داشتن حق از حقوق واجب خداوند بر بننگان است.

[۳۲] کلینی، کافی، ج ۸، ص ۳۵۴.

[۳۳] نهج البلاغه، علی بن ابی طالب (ع)، خطبه ۲۱۶.

[۳۴] مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۵۲.

[۳۵] مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۸۴-۱۸۵.

[۳۶] مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۳.

[۳۷] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۵۸.

در احادیث، بر استحباب معاونت در بر،

[۳۸] حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۷.

[۳۹] حسین بن محمدتی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۱.

از جمله تعاون در بنای مسجد،

[۴۰] محمدین اسماعیل بخاری جعفی، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۸۹.

تأکید و ثواب اخروی آن ذکر شده

[۴۱] ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ۱، ص ۱۸۶.

و در برابر، تعاون در ارتکاب معاصی و کارهای باطل مضموم شمرده شده است.

[۴۲] ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ج ۱، ص ۲۱۷.

[۴۳] عبدالواحدین محمد آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۶۰.

[۴۴] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۶.

بنا بر احادیث، اثر مهم تعاون در کارهای نیک، رسیدن خیر به امت اسلامی است و از جمله آثار عدم تعاون، سلطه جویی برخی بر برخی دیگر و از میان رفتن برکت است.

[۴۵] حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۳.

[۴۶] حسین بن محمدتی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۱۸۲.

← مصالیق تعاون در احادیث

پیشوایان دین ضمن توصیه مسلمانان به ایجاد پیوندهای عاطفی و روانی با یکدیگر و بر آوردن نیازهای هم، آنان را به معاونت و یاری کردن یکدیگر در امور شخصی فرا خوانده‌اند.

[۴۷] محمدین اسماعیل بخاری جعفی، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۵۵.

[۴۸] کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵.

[۴۹] کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۰.

[۵۰] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۵۶-۲۵۷.

[۵۱] مقرر رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاه، ج ۶، ص ۹۳-۹۴.

در احادیث و کتب اخلاقی، کمک کردن فرد مؤمن به مؤمنان دیگر از حقوق برادری دینی به شمار رفته

[۵۲] کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷۴-۱۷۵.

[۵۳] کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۰.

[۵۴] ورام، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۲، ص ۲۴۹.

[۵۵] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶۲۳۷.

و بویژه مؤمنی که از دیگران درخواست یاری و کمک نماید، واجد حقی بر عهده آنان است.

[۵۶] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۰.

[۵۷] مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶۰.

[۵۸] حسین بن محمد بنقی نوری، مستترک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۷.

حتی به تصریح برخی منابع، نیازهای هر مؤمنی که نیازمند کمک است، باید پیش از درخواست او بر آورده شود

[۵۹] محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۱.

(درباره آثار دنیوی و اخروی بر آوردن نیازهای مؤمن رجوع کنید به این آدرس

[۶۰] مهدی بن ابی ذر نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۹-۲۳۲.

.) بنابر حدیثی، یکی از حقوق همسایه آن است که اگر درخواست کمک کرد، به یاری اش شتافته شود.

[۶۱] محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۳۳.

به نوشته مجلسی،

[۶۲] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۲.

از برخی احادیث بر می آید که ایمان مؤمنان اقتضا دارد که آنان با خدمت کردن به یکدیگر، با هم تعاون داشته باشند. همچنین احادیثی که مؤمنان و امت اسلامی را به مثابه یک بدن یا یک دست دانسته، به تعاون اشاره دارد.

[۶۳] مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۰.

برطبق شماری از احادیث، کمک کردن انسان به کسی که وی را یاری داده، از نشانه های ایمان است.

[۶۴] مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۷۲.

[۶۵] مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۷۵.

در سیره پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام نیز موارد متعددی از یاری کردن به افراد نیازمند و بر آوردن نیازهای آنان و نیز همیاری با مردم در انجام دادن کارهای نیک دیده می شود.

[۶۶] مقرر رضا حکیمی، محمد حکیمو علی حکیمی، الحیاه، ج ۲، ص ۲۱۷-۲۲۱.

[۶۷] عبد غالب احمد عیسی، آداب المعلمه فی الاسلام، ج ۱، ص ۲۸-۳۰.

در احادیث و منابع اخلاقی، اهتمام نداشتن به امور دیگران و یاری نکردن مؤمنان از ردایب اخلاقی و از نشانه های ضعف ایمان شمرده شده و آثار ناخوشایند دنیوی و اخروی آن بیان گردیده است.

[۶۸] مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۳۱۸۳.

[۶۹] مهدی بن ابی ذر نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹.

بنا بر حدیثی معروف از پیامبر اکرم کسی که نسبت به امور مسلمانان اهتمام ندارد، مسلمان نیست.

[۷۰] کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۳۱۶۴.

نظر شهید ثانی در مورد تعاون

به نوشته شهید ثانی،

[۷۱] زین الدین بن علی شهید ثانی، المصنفلت الاربعه، ج ۱، ص ۸۱.

تاکید بر ایجاد الفت و پیوند دوستی میان مؤمنان در احادیث، ناشی از این واقعیت است که تدبیر امور زندگی موقوف بر تشکیل جامعه و تعاون و همکاری افراد است. همچنین به نظر او

[۷۲] زین الدین بن علی شهید ثانی، المصنفلت الاربعه، ج ۱، ص ۳۵.

تعاون و همکاری افراد جامعه هنگامی پدید می آید که در آنان کینه و حسد و عداوت وجود نداشته باشد و از ردایبی مانند غیبت به دور باشند. این نکته بیانگر تأثیر متقابل تعاون بر تثبیت بسیاری از فضائل اخلاقی در جامعه و تأثیر نامطلوب ردایب اخلاقی بر پیوند همکاری و تعاون است.

نظر برخی فقها در مورد تعاون

به نظر برخی مؤلفان،

[۷۳] سعید بن هبه الله قطب راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۴۱۲.

[۷۴] محمد ابوزهره، تنظیم الاسلام للمجتمع، ج ۱، ص ۴۴-۴۷.

[۷۵] محمد ابوزهره، تنظیم الاسلام للمجتمع، ج ۱، ص ۱۴۶.

[۷۶] عبدالعزیز خیاط، المجتمع المتکافل فی الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۰.

حکمت بسیاری از احکام فقهی واجب یا مستحب، گسترش روح تعاون و همبستگی در جامعه است؛ برای مثال می توان به مقرر شدن دیه در قتل ناشی از خطا بر عهده عاقله (خویشاوندان پدري) و نیز حمایت از اشخاص ضعیف، فقیر، بدهکار و مانند اینها از راه تشریح احکام الزامی یا غیر الزامی (مانند پرداخت نفقه خویشاوندی، زکات، خمس، صدقه، وصیت و وقف) اشاره کرد. فقها در برخی فروع فقهی، برای اثبات حکم وجوب یا جواز، به آیه تعاون استناد کرده و آن ها را مصداق تعاون در نیکی دانسته اند.

[۷۷] ابن حزم، المحلی، ج ۸، ص ۲۷۳.

[۷۸] ابن حزم، المحلی، ج ۸، ص ۳۳۰.

[۷۹] محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ص ۳۰۳.

[۸۰] محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ص ۳۳۶.

[۸۱] حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۴۳۹-۴۴۰.

همچنین مستند حکم حرمت در بسیاری از موارد، «تعاون در گناه (اثم)» ذکر شده و حتی برای حکم وضعی (مانند ضمان) نیز به آن استناد گردیده است؛ مانند فروش اسلحه یا کالاهای دیگر به کفار حربی، معامله ربوی، معامله کردن با کسی که میل را در راه حرام به کار می‌برد، انعقاد بیع با کسی که نماز جمعه بر او واجب است (در زمان برگزاری نماز جمعه)، اجاره کردن چیزی برای انتقال دادن شراب و معاونت با محرم در کار کردن غیر مجاز.

[۸۱] ابن حزم، المحلی، ج ۷، ص ۳۴۹۳۵.

[۸۲] ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۳۰.

[۸۳] ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۶۵.

[۸۴] ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۱۵۳.

[۸۵] ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۳۲۷.

[۸۶] ابن حزم، المحلی، ج ۹، ص ۳۴۳.

[۸۷] ابن حزم، المحلی، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

[۸۸] ابن حزم، المحلی، ج ۱۰، ص ۳۲۳.

[۸۹] ابن حزم، المحلی، ج ۱۰، ص ۳۳۱.

[۹۰] محمد بن احمد شمس الانمه سرخسی، المبسوط ج ۱۴، ص ۸.

[۹۱] ابوبکر بن مسعود کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲، ص ۲۰۳.

[۹۲] ابوبکر بن مسعود کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲، ص ۲۰۸.

[۹۳] ابوبکر بن مسعود کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱، ص ۱۹۰.

[۹۴] ابوبکر بن مسعود کاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۲.

[۹۵] حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۴، ص ۱۰۹.

[۹۶] زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۴۵.

[۹۷] زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۴۵۸.

[۹۸] مرتضی انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۱۳۲.

برخی فقها برای صدق تعاون بر گناه، وجود قصد معاونت و شماری دیگر تحقق یافتن موضوع مورد تعاون و بعضی هر دو را شرط کرده‌اند؛ ازینرو مثلاً برخی فقها صرف فروختن انگور را به کسی که از آن شراب می‌سازد، از بلب تعاون در گناه نمی‌دانند. این دیدگاه نیز مطرح شده که در تعاون، بر خلاف اعانه، باید همکاری دو یا چند جانبه باشد و کار یک شخص را نمی‌توان تعاون دانست.

[۱۰۰] احمد بن محمد مهدی نراقی، عوائد الایام، ج ۱، ص ۷۹-۷۵.

[۱۰۱] مرتضی انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۱۳۲۱۳۵.

[۱۰۲] محمد علی توحیدی، مصباح الفقاهة فی المعاملات، ج ۱، ص ۱۸۰.

فهرست منابع

- (۱) علاوه بر قرآن؛
- (۲) محمود بن عبدالله آلوسی، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، (بی تا.)؛
- (۳) عبدالوحدین محمد آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم ۱۳۶۶ ش؛
- (۴) ابن اخوه، کتاب معالم القرية فی احکام الحسبة، چاپ محمد محمود شعبان و صدیق احمد عیسی مطیعی، مصر ۱۹۷۶؛
- (۵) ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، نجف ۱۹۷۲، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش؛
- (۶) ابن حزم، المحلی، چاپ احمد محمد شاکر، بیروت: دار الجیل، (بی تا.)؛
- (۷) ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ علی اکبر غفاری، قم ۱۳۶۳ ش؛
- (۸) ابن منظور، لسان العرب؛
- (۹) محمد ابوزهره، تنظیم الاسلام للمجتمع، قاهره: مکتبه الانجلو المصریه، (بی تا.)؛
- (۱۰) مرتضی انصاری، کتاب مکاسب، ج ۱، قم ۱۴۱۵؛
- (۱۱) محمد بن اسماعیل بخاری جعفی، صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفه، (بی تا.)؛
- (۱۲) محمد علی توحیدی، مصباح الفقاهة فی المعاملات، تقریرات درس آیه الله خونی، قم ۱۳۷۱ ش؛
- (۱۳) حر عاملی، وسائل الشیعه؛
- (۱۴) محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، و علی حکیمی، الحیاة، ج ۲، قم ۱۳۶۰ ش، ج ۶، تهران ۱۳۶۸ ش؛
- (۱۵) دهخدا؛
- (۱۶) حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سینیکیانی، بیروت (بی تا.)؛
- (۱۷) زمخشری، تفسیر کشاف؛
- (۱۸) ابوالحسن شعرانی، نثر طوبی، یا، دائرة المعارف لغت قرآن مجید، تهران ۱۳۹۸؛
- (۱۹) محمد بن احمد شمس الانمه سرخسی، کتاب المبسوط، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛
- (۲۰) زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم ۱۴۱۳-۱۴۱۹؛
- (۲۱) زین الدین بن علی شهید ثانی، المصنفات الاربعة، ۱: کشف الریبة، قم ۱۳۸۰ ش؛
- (۲۲) طباطبائی، المیزان.
- (۲۳) طبرسی، تفسیر جوامع الجامع.
- (۲۴) فخر الدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ ش؛
- (۲۵) محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، چاپ محمد باقر بهبودی، تهران (۱۳۸۸)؛
- (۲۶) عبدالعزیز خیاط، المجتمع المتکافل فی الاسلام، قاهره ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛
- (۲۷) حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، قم ۱۴۱۴-؛

- (٢٨) علي بن ابي طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغة، چلپ صبحى صالح، بيروت؟ (١٣٨٧)، چلپ افست قم (بى تا.)؛
- (٢٩) عبد غالب احمد عيسى، آداب المعاملة فى الاسلام، بيروت: داراين زينون، (بى تا.)؛
- (٣٠) محمد غزالى، احبباء علوم الدين، بيروت ١٤٠٦/١٩٨٦؛
- (٣١) محمد فارابى، كتب آراء اهل المدينة الفاضلة، چلپ ألبير نصرى نادر، بيروت ١٩٨٢؛
- (٣٢) محمد يعقوب فيروز آبادى، القاموس المحيط، بيروت ١٤٠٧/١٩٨٧؛
- (٣٣) احمد بن محمد فيومى، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، بيروت: دار الفكر، (بى تا.)؛
- (٣٤) محمد احمد قرطبى، الجامع لاحكام القرآن، ج ٣، جزء ٦، بيروت ١٩٦٥، چلپ افست تهران ١٣٦٤ ش؛
- (٣٥) سعيد بن هبة الله قطب راوندى، فقه القرآن، چلپ احمد حسيني، قم ١٤٠٥؛
- (٣٦) ابوبكر بن مسعود كاسانى، كتب بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، قاهره ١٣٢٨، چلپ افست بيروت، (بى تا.)؛
- (٣٧) كلينى، كافي.
- (٣٨) مجلسى، بحار الانوار.
- (٣٩) احمد بن محمد مسكويه، تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق، چلپ حسن تميم، بيروت؟ (١٣٩٨)، چلپ افست قم ١٤١٠؛
- (٤٠) محمد جواد مغنیه، التفسير المبين، بيروت ١٩٨٣/١٤٠٣؛
- (٤١) احمد بن محمد مهدي نراقي، عوائد الايام، قم ١٣٧٥ ش؛
- (٤٢) مهدي بن ابي ذر نراقي، جامع السعادات، بيروت ١٩٨٨/١٤٠٨؛
- (٤٣) حسين بن محمد تقى نوري، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ١٤٠٧-١٤٠٨؛
- (٤٤) مسعود بن عيسى وزام، تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة وزام، (چلپ على اصغر حامد)، تهران؟ (١٣٧٦).

پاتويس

١. [↑ ابن منظور، لسان العرب، ذيل «عون».](#)
٢. [↑ احمد بن محمد فيومى، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير للرافعى، ذيل «عون».](#)
٣. [↑ محمد يعقوب فيروز آبادى، القاموس المحيط، ذيل «عون».](#)
٤. [↑ دهخدا، ذيل واژه عون.](#)
٥. [↑ حسين بن محمد رغب اصفهاني، المفردات فى غريب القرآن، ذيل «عون».](#)
٦. [↑ فخر الدين بن محمد طريحي، مجمع البحرين، ذيل «عون».](#)
٧. [↑ ابوالحسن شعراني، نثر طوبى، ذيل «عون».](#)
٨. [↑ محمد بن محمد فارابى، آراء اهل المدينة الفاضلة، ج ١، ص ١١٧-١١٨.](#)
٩. [↑ احمد بن محمد مسكويه، تهذيب الاخلاق و تطهير الاعراق، ج ١، ص ٣٧.](#)
١٠. [↑ طباطبائى، الميزان، ذيل بقره ٢١٣-٢٥١.](#)
١١. [↑ انبياء/سوره ٢١، آيه ١٨-١٩.](#)
١٢. [↑ عبد غالب احمد عيسى، آداب المعامله فى الاسلام، ج ١، ص ٢٧.](#)
١٣. [↑ مائده/سوره ٥، آيه ٢.](#)
١٤. [↑ زمخشرى، تفسير كشاف، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
١٥. [↑ طبرسى، تفسير جوامع الجامع، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
١٦. [↑ محمود بن عبدالله آلوسى، روح المعاني، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
١٧. [↑ طباطبائى، الميزان، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
١٨. [↑ ابن اخوه، معالم القربه فى احكام الحسيه، ج ١، ص ٦٢.](#)
١٩. [↑ ابوالحسن شعراني، نثر طوبى، ذيل «عون».](#)
٢٠. [↑ طباطبائى، الميزان، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
٢١. [↑ محمد بن احمد قرطبى، الجامع لاحكام القرآن، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
٢٢. [↑ محمد جواد مغنیه، التفسير المبين، ذيل آيه دوم سوره مائده.](#)
٢٣. [↑ محمد رضا حكيمى، محمد حكيمى و على حكيمى، الحياه، ج ٦، ص ٩٣.](#)
٢٤. [↑ طبرسى، تفسير جوامع الجامع، ذيل نور: ٦٢.](#)
٢٥. [↑ طبرسى، تفسير جوامع الجامع، ذيل تحريم: ٤.](#)
٢٦. [↑ طباطبائى، الميزان، ذيل تحريم: ٤.](#)
٢٧. [↑ عبدالواحد بن محمد آمدى، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ج ١، ص ٤٢٢.](#)
٢٨. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٢٣٦-٢٣٧.](#)
٢٩. [↑ كلينى، كافي، ج ٨، ص ٣٥٤.](#)
٣٠. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٣٤، ص ١٨٤.](#)
٣١. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٣٥٨.](#)
٣٢. [↑ كلينى، كافي، ج ٨، ص ٣٥٤.](#)
٣٣. [↑ نهج البلاغه، على بن ابي طالب \(ع\)، خطبة ٢١٦.](#)
٣٤. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٢٧، ص ٢٥٢.](#)
٣٥. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٣٤، ص ١٨٤-١٨٥.](#)
٣٦. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٤١، ص ١٥٣.](#)
٣٧. [↑ مجلسى، بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٣٥٨.](#)
٣٨. [↑ حر عاملى، وسائل الشيعه، ج ١٦، ص ٣٧٧.](#)

- ٣٩ ↑ [حسين بن محمد بن نوري، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ١٢، ص ٤٢١.](#)
- ٤٠ ↑ [محمد بن اسماعيل بخارى جعفي، صحيح البخارى، ج ١، ص ٨٩.](#)
- ٤١ ↑ [ابن بابويه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ج ١، ص ١٨٦.](#)
- ٤٢ ↑ [ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، ج ١، ص ٢١٧.](#)
- ٤٣ ↑ [عبدالواحد بن محمد أمدي، تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ج ١، ص ٤٦٠.](#)
- ٤٤ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٥٦.](#)
- ٤٥ ↑ [حر عاملي، و مسائل الشيعه، ج ١٦، ص ١٢٣.](#)
- ٤٦ ↑ [حسين بن محمد بن نوري، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ١٢، ص ١٨١٨٢.](#)
- ٤٧ ↑ [محمد بن اسماعيل بخارى جعفي، صحيح البخارى، ج ٤، ص ٥٥.](#)
- ٤٨ ↑ [كليبي، كافي، ج ٢، ص ١٧٤-١٧٥.](#)
- ٤٩ ↑ [كليبي، كافي، ج ٤، ص ٥٠.](#)
- ٥٠ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٧١، ص ٢٥٦-٢٥٧.](#)
- ٥١ ↑ [محمد رضا حكيمي، محمد حكيمي و علي حكيمي، الحياه، ج ٦، ص ٩٣-٩٤.](#)
- ٥٢ ↑ [كليبي، كافي، ج ٢، ص ١٧٤-١٧٥.](#)
- ٥٣ ↑ [كليبي، كافي، ج ٤، ص ٥٠.](#)
- ٥٤ ↑ [ورام، تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، ج ٢، ص ٢٤٩.](#)
- ٥٥ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٢٣٦٢٣٧.](#)
- ٥٦ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٧١، ص ٢٠.](#)
- ٥٧ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ١، ص ٢٦٠.](#)
- ٥٨ ↑ [حسين بن محمد بن نوري، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ١١، ص ١٦٧.](#)
- ٥٩ ↑ [محمد بن محمد غزالي، احياء علوم الدين، ج ٢، ص ١٩٠-١٩١.](#)
- ٦٠ ↑ [مهدي بن ابي ذر نراقي، جامع السعادات، ج ٢، ص ٢٢٩-٢٣٢.](#)
- ٦١ ↑ [محمد بن محمد غزالي، احياء علوم الدين، ج ٢، ص ٢٣٣.](#)
- ٦٢ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٧١، ص ٢٧٢.](#)
- ٦٣ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٥٨، ص ١٥٠.](#)
- ٦٤ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٦٤، ص ٢٧٢.](#)
- ٦٥ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٦٤، ص ٢٧٥.](#)
- ٦٦ ↑ [محمد رضا حكيمي، محمد حكيميو علي حكيمي، الحياه، ج ٢، ص ٢١٧-٢٢١.](#)
- ٦٧ ↑ [عبد غالب احمد عيسى، آداب المعامله في الاسلام، ج ١، ص ٢٨-٣٠.](#)
- ٦٨ ↑ [مجلسي، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ١٧٣١٨٣.](#)
- ٦٩ ↑ [مهدي بن ابي ذر نراقي، جامع السعادات، ج ٢، ص ٢٢٨-٢٢٩.](#)
- ٧٠ ↑ [كليبي، كافي، ج ٢، ص ١٦٣١٦٤.](#)
- ٧١ ↑ [زين الدين بن علي شهيد ثاني، المصنفت الاربعه، ج ١، ص ٨١.](#)
- ٧٢ ↑ [زين الدين بن علي شهيد ثاني، المصنفت الاربعه، ج ١، ص ٣٥.](#)
- ٧٣ ↑ [سعيد بن هبه الله قطب راو ندي، فقه القرآن، ج ٢، ص ٤١٢.](#)
- ٧٤ ↑ [محمد ابوزهره، تنظيم الاسلام للمجتمع، ج ١، ص ٤٤-٤٧.](#)
- ٧٥ ↑ [محمد ابوزهره، تنظيم الاسلام للمجتمع، ج ١، ص ١٤٦.](#)
- ٧٦ ↑ [عبد العزيز خياط، المجتمع المتكافل في الاسلام، ج ١، ص ٢٥٠-٢٥٤.](#)
- ٧٧ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٨، ص ٢٧٣.](#)
- ٧٨ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٨، ص ٣٣٠.](#)
- ٧٩ ↑ [محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٣، ص ٣٠٣.](#)
- ٨٠ ↑ [محمد بن حسن طوسي، المبسوط في فقه الاماميه، ج ٣، ص ٣٣٦.](#)
- ٨١ ↑ [حسن بن يوسف علامه حلي، تذكره الفقهاء، ج ٩، ص ٤٣٩-٤٤٠.](#)
- ٨٢ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٧، ص ٣٤٩٣٥.](#)
- ٨٣ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٩، ص ٣٠.](#)
- ٨٤ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٩، ص ٦٥.](#)
- ٨٥ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٩، ص ١٥٣.](#)
- ٨٦ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٩، ص ٣٢٧.](#)
- ٨٧ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ٩، ص ٣٤٣.](#)
- ٨٨ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ١٠، ص ١٠٠.](#)
- ٨٩ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ١٠، ص ٣٢٣.](#)
- ٩٠ ↑ [ابن حزم، المحلى، ج ١٠، ص ٣٣١.](#)
- ٩١ ↑ [محمد بن احمد شمس الانمه سرخسي، المبسوط، ج ١٤، ص ٨.](#)
- ٩٢ ↑ [ابو بكر بن مسعود كاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٢، ص ٢٠٣.](#)
- ٩٣ ↑ [ابو بكر بن مسعود كاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٢، ص ٢٠٨.](#)
- ٩٤ ↑ [ابو بكر بن مسعود كاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ١، ص ١٩٠.](#)
- ٩٥ ↑ [ابو بكر بن مسعود كاساني، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ١، ص ١٠٢.](#)
- ٩٦ ↑ [حسن بن يوسف علامه حلي، تذكره الفقهاء، ج ٤، ص ١٠٩.](#)

۹۷. [↑ زین الدین بن علی شهیدثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۴۵.](#)
۹۸. [↑ زین الدین بن علی شهیدثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۴۵۸.](#)
۹۹. [↑ مرتضیٰ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۱۳۲.](#)
۱۰۰. [↑ احمدین محمد مهدی نراقی، عوائدالایام، ج ۱، ص ۷۹-۷۵.](#)
۱۰۱. [↑ مرتضیٰ انصاری، مکاسب، ج ۱، ص ۱۳۲۱۳۵.](#)
۱۰۲. [↑ محمدعلی توحیدی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ج ۱، ص ۱۸۰.](#)

منبع

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائره المعارف اسلامي، برگرفته از مقاله «تعاون در قرآن و حدیث»، شماره ۳۶۱۳.](#)

رده‌های این صفحه: [مقالات دانشنامه جهان اسلام](#)